رسالت
روزنامه صبح ایران
سال سی‌ونهم ■
شماره ۱۰۹۹۶ ■

نقدی بر طرح «تقویت و توسعه آموزش و پرورش»

زنگ خطر کالایی‌سازی آموزش

گروه اجتماعی

سال‌هاست که عده‌ای در قامت تصمیم‌گیر و برنامه‌ریز، نسخه «سودآوری» برای آموزش و پرورش پیچیده و جایگاه حاکمیتی آن را سست کرده‌اند و عملا ترغیب‌کننده والدین و دانش‌آموزان برای ثبت‌نام در مدارس غیردولتی هستند. علی‌رغم اینکه طبق قانون دریافت شهریه اجباری در مدارس دولتی تخلف محسوب می‌شود اما شواهد نشان می‌دهد روسای مدارس از طریق مختلف والدین را به پرداخت هزینه تحصیل مجبور می‌کنند. در همین رابطه شهریورماه سال جاری حسینعلی حاجی دلیگانی، نماینده مجلس ضمن انتقاد از درخواست مسئولان برخی مدارس دولتی برای دریافت شهریه از والدین دانش‌آموزان جهت ثبت‌نام به خبرگزاری «تسنیم» گفت: «در بسیاری از مدارس الزام‌آور برای ثبت‌نام منابعی اخذ می‌شود این در حالی است که قانون اساسی، آموزش و پرورش را رایگان کرده است.» با وجود تخلف گسترده در این زمینه تاکنون اقدامی از سوی دولت برای رفع آن صورت نپذیرفته و این موضوع از عمق مشکلات مالی وزارت تعلیم و تربیت حکایت دارد.

بررسی تغییرات بودجه عمومی دولت و میزان و نحوه تامین مالی آموزش و پرورش نشان می‌دهد، سهم این وزارتخانه نه‌تنها رو به کاهش بوده بلکه با فراز و نشیب‌های زیادی نیز همراه شده است. به همین دلیل طرح «تقویت و توسعه آموزش و پرورش» که اخیرا در مرکز پژوهش‌های مجلس طراحی و از سوی برخی نمایندگان به مجلس ارائه شده، به‌دنبال کاهش دغدغه مالی این وزارتخانه است، اما این طرح با نگرانی‌هایی توام شده و برخی تصور می‌کنند که مسئولان درصدد تبدیل «نهاد آموزش» به «بنگاه اقتصادی» هستند و آنچه در روبه‌بی‌پولی آموزش و پرورش و جیب خالی دولت حادث می‌شود خدشه به وجهه و حیثیت مدارس دولتی است. پر واضح است که میزان تامین منابع مالی آموزش عمومی سال به سال کاهش یافته و ایران در میان کشورهای جهان به لحاظ تامین مالی دولت در این بخش از ضعیف‌ترین کشورهاست. «مدرسه» سال‌هاست به مدد سیاست‌گذاری غلط و همسو با منافع مافیا و بنگاه‌های آموزشی یک واحد اجتماعی نیست و به محلی برای کسب درآمد بدل شده است. در حال حاضر با ارائه طرحی که ۲۹ مهرماه در دستور کار کمیسیون آموزش، تحقیقات و فناوری مجلس شورای اسلامی قرارگرفته، بیم آن می‌رود که این رویکرد، به مفهوم رسمیت بخشیدن به کالایی‌سازی آموزش باشد؛ موضوعی که از اواسط دهه ۸۰ آغاز و در دهه ۹۰ ادامه یافت و نتایج آن در سطح آموزش عمومی کشور و وجود انواع مدارس غیردولتی با هزینه‌های گزاف مشهود است.

طرح ۱۰ ماده‌ای «تقویت و توسعه آموزش و پرورش» به‌موارد متعددی اشاره دارد از جمله اجباری کردن دوره پیش‌دبستانی و بازنگری در تقویم آموزشی که از دید کارشناسان پرداختن به این موارد حائز اهمیت است، با این حال یکی از بندهای طرح مذکور که بر تنوع بخشی منابع وزارت آموزش و پرورش تاکید دارد، مخالفت برخی از کارشناسان آموزشی را به‌دنبال داشته چراکه به زعم آنان قرار است در قالب این طرح، یک «معاونت اقتصادی» در وزارتخانه به‌منظور افزایش درآمدهای اختصاصی تاسیس و سازمان‌ها و مراکز زیرمجموعه از جمله مدارس به‌عنوان واحدهای اقتصادی در نظر گرفته شده و «درآمدآفرین» باشند!

ابراهیم سحرخیز معاون اسبق آموزش متوسطه وزارتخانه آموزش و پرورش با نقد این رویکرد، می‌گوید، آموزش و پرورش چون دستگاهی حاکمیتی است نمی‌تواند نگاه تجاری داشته باشد و مجازنیست همانند سایر دستگاه‌های دولتی به راه‌های این چنینی کسب درآمد فکر کند. سحرخیز در ادامه به پرسش‌های «رسالت» پاسخ داده است.

آقای سحرخیز، به نظر می‌رسد در طرح «تقویت و توسعه آموزش و پرورش» با تشکیل معاونت اقتصادی، عملا تگرانی کارشناسان مبنی بر کالایی سازی آموزش شکل رسمی به خود می گیرد، تحلیل شما از این موضوع چیست؟

این طرح ۱۰ ماده‌ای که ۳۴ نفر از نمایندگان مجلس آن را به امضاء رسانده‌اند، فوریت عادی دارد و به این زودی‌ها به صحن مجلس نخواهد آمد، اما یکی از بندهای آن، مبنی بر تشکیل معاونت اقتصادی خبرسازشده است. در بخشی از مقدمه این طرح، به‌عنوان دلایل توجیهی به تنوع بخشی منابع مالی آموزش و پرورش اشاره شده و اینکه هر مدرسه‌ای باید به یک واحد درآمدآفرین تبدیل شود، در این راستا به منظور تشویق مدیران مدارس برای درآمدزایی بیشتر، درصدی از درآمدی که مدیران ایجاد می‌کنند، به‌عنوان پاداش به خود آن‌ها تعلق می‌گیرد تا موجب افزایش انگیزه برای بهره‌وری حداکثری در منابع مالی شود. در بخش دیگری از مقدمه این طرح آمده است که از ابتدای دهه ۹۰ تاکنون به‌طور میانگین سهم آموزش و پرورش از بودجه عمومی دولت به‌طور میانگین از حدود ۹ درصد فراتر نرفته است و با توجه به اینکه دولت بیش از این توانی برای افزایش سهم آموزش و پرورش از بودجه عمومی ندارد، باید منابع کسب درآمد در این بخش را متنوع کرد و برای ساماندهی این امر در طرح مذکور، تشکیل معاونت اقتصادی پیش‌بینی شده است. حال اینکه مبتنی بر تحلیل‌های آماری صاحب‌نظران حوزه تعلیم و تربیت و براساس مطالعات تطبیقی، ۹۰ درصد منابع مالی آموزش و پرورش را در سطح جهان دولت‌ها تامین می‌کنند. آن ۱۰ درصد باقی‌مانده هم از خانواده‌ها دریافت نمی‌شود، بلکه کلیساها و نهادهای مدنی و خیرین می‌پردازند و لذا به ندرت کشوری را مشاهده می‌کنید که آموزش عمومی را به سمت پولی‌سازی هدایت کرده باشد. اما در کشور ما این گونه نیست و مدارس وابسته به ارگان‌ها و بخش‌های متعددی هستند و برای تحصیل دانش‌آموزان وجوه کلان و قابل توجهی دریافت می‌شود. به این مفهوم که مدرسه را به‌عنوان یک نهاد اجتماعی با بنگاه اقتصادی اشتباه گرفته‌اند. شاید اگر چنین طرحی به تصویب برسد، فرم لباس دانش‌آموزان را نیز در اختیار شرکت‌های تبلیغاتی قرار دهند. در زمان وزارت علی اصغر فانی بر وزارت آموزش و پرورش این بحث مطرح بود و فردی به‌دنبال درج تبلیغات شرکت خود در پشت جلد کتاب‌های درسی بود تا به این طریق هزینه چاپ کتاب‌ها را پرداخت کند، حال اینکه چنین نگاهی فاجعه است، و نباید دید انتفاعی یا تجاری به آموزش و پرورش داشت. مدرسه یک نهاد عمومی است که در کشورهای مختلف جهان، خدمات عمومی، اجتماعی و فرهنگی رایگان به مردم ارائه می‌کند. مسئولان ذیربط به‌جای کوشش برای اخذ بودجه مناسب از دولت به درآمدزایی مدارس چشم دوخته‌اند در حالی که در همه کشورهای جهان، دولت‌ها هستند که هزینه‌های آموزش و پرورش را می‌پردازند نه این که مدارس به محل کسب درآمد تبدیل شوند.

همانطور که اشاره کردید سهم وزارت آموزش و پرورش از بودجه عمومی دولت ناچیز است و تشکیل معاونت اقتصادی با هدف درآمدزایی پیش‌بینی شده، اما چرا سایر بخش‌ها با مشکل بودجه مواجه نیستند و صرفا مهمترین وزارتخانه ما، یعنی وزارت تعلیم و تربیت با چنین مسئله‌ای مواجه است؟

این سوال ما نیز هست و طرح اخیر به‌دنبال برداشتن گامی در جهت درآمدزایی مدارس و بهبود معیشت معلمان است. اما آیا بهتر نیست وزارت آموزش و پرورش ابتدا مشکل صندوق ذخیره فرهنگیان را حل کند؟ این صندوق از سال ۱۳۷۳ راه اندازی شده و بین ۸۰۰ تا ۸۵۰ هزار نفر عضو آن هستند و به دلیل عدم اعمال مدیریت درست، معلمان به‌هنگام بازنشستگی برای دریافت مطالبات خود باید مدت زمان زیادی منتظر بمانند. دولت‌ها همواره وعده سودآوری این صندوق را مطرح کرده‌اند، اما اتفاقی رخ نداده و معلمان پس از بازنشستگی برای دریافت مبلغی که سرمایه‌گذاری کرده و ماهیانه به‌عنوان سهام یا حق عضویت به‌حساب صندوق واریز نموده‌اند، باید نزدیک به ۶ ماه تا یک سال در صف انتظار بمانند. من در دیدار داشتی که به تازگی در خبرگزاری‌ها منتشر شده عنوان کرده‌ام «اگر معلمان از محل همان پرداختی‌های سی‌وچند ساله خود که هرماهه به‌عنوان سهام یا حق عضویت به‌حساب صندوق می‌ریزند، گرم‌گرم طلا ندوخته بودند امروز در کشور تورم زده ایران، صاحب میلیاردها تومان دارایی اندوخته شده بودند که تمام پول پرداختی صندوق به بازنشستگان، حتی به نیم عشر آن هم نمی‌رسد.» بنابراین به جای ایده تشکیل معاونت اقتصادی با هدف تقویت و توسعه آموزش و پرورش باید دولت‌ها به اصل سی‌ام قانون اساسی متعهد باشند. ایران در میان کشورهای دنیا به لحاظ تامین مالی دولت در این بخش از ضعیف‌ترین کشورهاست، اگر پای مشکلات اقتصادی درمیان است، چرا این مشکلات فقط دامن آموزش و پرورش را می‌گیرد؟ ما در بودجه‌های سنواتی مشاهده می‌کنیم که مراکز فرهنگی به انحای مختلف ردیف اعتباری دارند؛ اما به آموزش و پرورش که می‌رسد کفگیر به ته دیگ می‌خورد و خبری از بودجه برای کیفیت بخشی نیست، در حالی که قانون اساسی منعی برای این موضوع قائل نشده است.

سوالم از شما همین است که در قانون اتفاقا بر آموزش رایگان تاکید شده، اما چرا در حال حاضر دولت به این نتیجه رسیده که نمی‌خواهد یا نمی‌تواند منابع بیشتری را به آموزش عمومی اختصاص دهد؟

پس از جنگ تحمیلی و تاهم اکنون برخی به‌دنبال این بوده و هستند تا سهم آموزش و پرورش را از بودجه عمومی کاهش دهند. به عبارت بهتر اعتقادی به آموزش و پرورش دولتی ندارند و طبق گزارش بانک جهانی در دهه نود، ایران در روند خصوصی‌سازی آموزش از تمامی کشورها با شتاب بیشتری گام برداشته و تنها کشوری است که فقط بین ۵۰ تا ۵۵ درصد هزینه آموزش را دولت پرداخت می‌کند و ۴۵ تا ۵۰ درصدش از جیب خانواده‌هاست، این بدان معناست که عملا خانواده‌ها هزینه آموزش و پرورش را می‌پردازند. تمامی دولت‌ها به همین شکل عمل کرده‌اند و حتی دولت تدبیر و امید پا را فراتر گذاشت و عنوان کرد، صرف هزینه برای آموزش عمومی گران تمام می‌شود و برای اداره ارزان این بخش می‌توان سالانه ۱۰ درصد مدارس را برون‌سپاری کرد؛ که مقام معظم رهبری به صراحت گفتند «این کار خیانت به آینده کشور است». وزرای آموزش و پرورش ما به جای اینکه با سازمان برنامه و بودجه به صورت جدی گفت‌وگو کرده و طبق قانون اساسی و فرمایشات رهبری سهم آموزش و پرورش را مطالبه کنند، به‌دنبال اداره ارزان این بخش هستند. طبیعتا عنان بودجه دست سازمان برنامه و بودجه است، و با توجه به عدم مطالبه‌گری و اقدامات غیرائتلافی بخش، این سازمان نیز سهم آموزش و پرورش را از بودجه افزایش نمی‌دهد و نتیجه این شده که با ارائه طرحی به‌دنبال تشکیل معاونت اقتصادی و درآمدزایی هستند، تا آموزش و پرورش از طریق اجاره فضای مدرسه و یا برون‌سپاری درمانگاه‌های فرهنگیان و خانه معلمان درآمد کسب کند. در حالی که خانه‌های معلم ورشکسته هستند و در مورد درمانگاه‌ها نیز همه استان‌ها درمانگاه ندارند و در استان‌هایی که چنین فضایی وجود دارد، هدف تسهیل شرایط برای خدمت‌رسانی به فرهنگیان است، حال قرار است معاونت اقتصادی وزارتخانه با برون‌سپاری درمانگاه‌ها، این تسهیلات را از فرهنگیان سلب و ویزیت پزشکان را گران کرده و بیمه تکمیلی معلمان را قبول نکند! اما مگر آموزش و پرورش بنگاه تجاری و وزارت بازرگانی است؟ این مجموعه مسئولیت تعلیم و تربیت را برعهده دارد و دولت براساس قانون وظیفه دارد آموزش عمومی را به شکل رایگان عرضه کند، با این حال مسئولان عامدانه مدارس دولتی را به حال خود رها کرده‌اند. به‌عنوان مثال تراکم دانش‌آموزی ما در هرکلاس ۲۷/۴ است، و در کشور پرجمعیت هند ۲۳ نفر است. این یعنی مسئولان هندوستان برای آموزش هزینه‌می‌کنند و یادرکشورهای اسکاندیناوی آموزش به شکل صددرصد رایگان است. درحالی که قانون اساسی ما هم برآموزش رایگان تاکید کرده و نمی‌توانیم به بهانه کمبود بودجه، آموزش و پرورش را رزان اداره کنیم. به جای این اقدام؛ وزارتخانه‌های عریض‌وطویل را کوچک کرده و بودجه بخش‌های غیرضروری را کاهش داده و یا شرکت‌های دولتی زیان‌ده را تعطیل کنند. ما سالانه چند صد هزار میلیارد تومان فرار مالیاتی داریم و باید جلوی این مسئله را گرفت و این مالیات‌ها را برای آموزش صرف کرد. تمامی کشورهای جهان از طریق مالیات، آموزش و پرورش خود را اداره می‌کنند.

سال ۹۵ وزیر وقت آموزش و پرورش پیشنهاد کرده بود که مدیران مدارس با اجاره فضا و حیاط مدرسه درآمدزایی کنند، بنابراین تصور می‌کنم در طرح تقویت و توسعه آموزش و پرورش ما با موضوع تازه و جدیدی مواجه نیستیم، آیا این طور نیست؟

بله تازگی ندارد اما حرفم این است که این اقدام دون‌شان آموزش و پرورش است. ماهم اکنون در شهر تهران مدارسی داریم که مدیران آن حیاط مدرسه را مسقف کرده و به کلینیک دندانپزشکی اجاره داده و یا سالن‌های آمفی تئاتر خود را که باید در خدمت دانش‌آموزان و سیستم آموزش و پرورش باشد، با نگاه تجاری دیده‌اند. درحالی که اغلب کشورهای جهان به ازای هر دانش‌آموز ۸ تا ۱۰ مترمربع فضای آموزشی و جانبی در نظر گرفته‌اند، ما حیاط مدرسه و یا کلاس درس را به کسب و کارهای مختلف از جمله فروش لوازم‌التحریر، اغذیه یا کلینیک دندانپزشکی اختصاص داده‌ایم و این در تعارض با اهداف تعلیم و تربیت است. ضمن آنکه یادگیری فقط از طریق کتاب اتفاق نمی‌افتد و خود محیط آموزشی نقش تربیتی دارد. اگر مدرسه‌ای از گوشه‌ای از حیاطش عایدی داشته باشد، مدیر ترجیح می‌دهد اموراتی مثل ورزش دانش‌آموزان، ضرورت توسعه فضای سبز در مدرسه، حتی ساخت کتابخانه و سالن ورزشی را که از ملزومات تعلیم و تربیت استاندارد است، فدای حل مشکلات مالی کند و این دقیقا همان نگاهی است که نباید در آموزش و پرورش جایی‌فتد. ممکن است برخی بگویند مساجد نیز همین کار را کرده‌اند، واحدی تجاری را انداخته‌اند و خود کفا شده‌اند بدون این که به کارکردهای مسجد لطمه بخورد. ولی باید منصفانه سخن گفت، قضیه مسجد با مدرسه فرق می‌کند چون آموزش و پرورش موظف به این کار است، مدرسه باید روح و جسم دانش‌آموزان را بسازد. آموزش و پرورش دستگاهی حاکمیتی است نمی‌تواند نگاه تجاری داشته باشد و مجاز نیست همانند سایر دستگاه‌های دولتی به راه‌های این چنینی کسب درآمد فکر کند. در این صورت هویتش را از دست می‌دهد و وجهه اش خدشه‌دار می‌شود.

همانطور که در سوال شما بود این گونه اتفاقات مسبوق به سابقه است. سال ۹۵ وزیر وقت آموزش و پرورش در راستای طرح‌های اشتغال‌زایی مدارس، پیشنهاد ایجاد مغازه در حیاط مدارس را داده بود تا محلی برای کسب درآمد مدارس دولتی فراهم شود! وزیر وقت اعلام کرده بود، ممکن است مدرسه‌ای حیاط بزرگی داشته باشد که بتوان چهار مغازه از گوشه مدرسه به سمت بیرون ساخت و منافعش را خرج مدرسه کرد. در آن سال با این که تصریح شده بود، اجاره مدارس با رعایت ملاحظات آموزشی و تربیتی و برای فعالیت‌های آموزشی و فرهنگی انجام خواهد شد، در برخی شهرستان‌های استان تهران چند ده کیلومتر از بر مدارس به میوه فروشی تبدیل شد و برخی مدیران، حیاط مدرسه را به‌عنوان پارکینگ به اهل محل اجاره می‌دادند! حتی خاطرم هست اردوگاه شهید باهنر را گروگذاشتند تا پاداش پایان خدمت معلمان را بپردازند! در حالی که بخشی از هویت آموزش و پرورش با اردوگاه شهید باهنر تعریف می‌شود و اینجا یک مرکز پرورشی است. بنابراین محیط آموزشی بخش لاینفک تعلیم و تربیت است و از نظر من این موضوع در طرح ۱۰ ماده‌ای تقویت و توسعه آموزش و پرورش پذیرفته نیست. البته بخش‌های دیگر این طرح خوب است؛ از جمله بالا بردن پوشش پیش‌دبستانی در سراسر کشور که اقدامی مثبت است. اما موضوع نگاه اقتصادی و درآمدزایی به آموزش و پرورش از اساس باطل است و به فرض آنکه چنین مسئله‌ای اجرایی شود، چگونه می‌توان بر ۱۱۰ هزار واحد آموزشی نظارت کرد؟ بهترین جایی که می‌توان از طریق تشکیل معاونت اقتصادی، آموزش و پرورش را نجات داد، صندوق ذخیره فرهنگیان است.

این طرح چه نفعی برای خانواده‌ها دارد، آیا در صورت تصویب و اجرای آن، با توجه به اجاره بخش‌هایی از مدرسه، دیگر نیازی نیست خانواده‌ها مبالغی را تحت عنوان «مشارکت‌های مردمی» پرداخت کنند؟

خیر این طور نیست این طرح نه تنها کمکی نمی‌کند، بلکه مجوز آشکاری برای دریافت مبالغ بیشتر از خانواده‌هاست. در صورت اجرای آن، مدیران مدارس دولتی عادی به‌شکل علنی محیط مدرسه را به محلی برای درآمدآفرینی تبدیل خواهند کرد. بنابراین بدون هیچ مشکلی می‌توانند هر رقمی را از خانواده‌ها طلب کنند. همانطور که اشاره کردم ۵۰ تا ۵۵ درصد هزینه‌های آموزش را دولت می‌پردازد و مابقی را مردم پرداخت می‌کنند و این تازه منهای وجوه دریافتی تحت عنوان مشارکت‌های مردمی است. سال ۹۲ رئیس انجمن اولیا و مربیان اعلام کرد، ۱۰ هزار میلیارد تومان کمک مردمی برای اداره مدارس دریافت شده و به این ترتیب سال‌هاست که در قالب دریافت مشارکت‌های مردمی، والدین را از مدارس دولتی عادی دلزده و به سمت غیر دولتی‌ها هدایت کرده‌اند تا همزمان شهریه بپردازند و آموزش با کیفیت‌تری دریافت کنند. در واقع مسئولان ما عامدانه این مسیر را به مردم نشان داده‌اند که اگر نسبت به کیفیت مدارس دولتی عادی معترض هستند، فرزندشان را در مدارس غیردولتی ثبت‌نام کنند. طرح تقویت و توسعه آموزش و پرورش نیز آب پاکی را روی دست والدین ریخته است که «دولت توان تامین منابع مالی آموزش و پرورش فراتر از ۹ درصد را ندارد و عملا از انجام امور کیفیت بخشی در مدارس ناتوان است و با تشکیل معاونت اقتصادی باید جنبه درآمدزایی را تقویت کرد.» چنین طرحی در هیچ کجای جهان نمونه ندارد! در اغلب کشورها، شهرداری‌ها متولی اداره آموزش و پرورش هستند و اگر وجهی هم دریافت می‌شود از محل اخذ مالیات و یا سایر بخش‌هاست و هیچ‌گاه مدیران مدارس را برای کسب درآمد به انجام بنگاه‌داری ترغیب نمی‌کنند.

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۳۶۰۳۲۲۷۱۴۰۰۰۴۱۵ مورخ ۱۴۰۳/۷/۱۸ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک هیرمند تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای محمداقبال ناروئی به ش.ش ۵ کدملی ۳۶۷۳۸۵۵۰۱۸ صادره زابل فرزند شیرعلی به صورت ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۴۹۷۶۶/۶۲ مترمربع پلاک شماره ۱۱۷ فرعی از ۴۰-۱- اصلی واقع در سیستان و بلوچستان بخش ۶ سیستان شهرستان هیرمند اراضی شیرین ملاشاهدوست واگذاری از طرف عبدالرحیم براهوئی فرزند رحمت موضوع رای اصلاحات ارضی ۳۸۳۵۷-۱۳۴۵/۱۲/۷ نادر پازناریان موضوع رای اصلاحات ارضی ۳۸۳۵۱-۱۳۴۵/۱۲/۷ وانور براهوئی فرزند در محمد موضوع رای اصلاحات ارضی ۲۸۳۵۶- محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز در روزنامه کثیرالانتشار آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۳/۸/۱

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۳/۸/۱۵

م الف ۱۰۲۰

علی یاور میرحدی

رئیس ثبت اسناد و املاک

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۳۶۰۳۰۱۰۲۴۰۰۴۰۳۴ مورخ ۱۴۰۳/۷/۲۵ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شهری تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای محمد رضا کیان بنه کمل به ش.ش ۱۸۴۷ کدملی ۱۷۱۸۲۷۲۱۰۳ صادره از بستان آباد فرزند نوح علی در ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی در آن به مساحت ۵۰ مترمربع پلاک شماره ۷۷۵۷ فرعی از ۱۲۳ بخشی از قطعه ۱۶۰ تفکیکی واقع در تهران بخش حوزه ثبت ملک شهری خریداری به موجب قولنامه عادی و با توجه به کد ۹۷۷ مجموعه بخشنامه های ثبتی مورد ثبت صفحه ۴۶۶ دفتر ۶۸۶ محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۳/۷/۳۰

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۳/۸/۱۵

م الف ۹۴۱

سیدمهدی لامعی

رئیس ثبت اسناد و املاک شهری

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۳۶۰۳۲۲۰۰۲۰۰۶۷۲۷-۱۴۰۳۶۰۳۲۲۰۰۲۰۰۶۷۲۷-۱۴۰۳/۷/۲۱ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک زابل تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی خانم بهاره محمدقاسمی به ش.ش ۳۶۶۰۱۲۲۰۹۲ کدملی ۳۶۶۰۱۲۲۰۹۲ صادره زابل فرزند حسینعلی به صورت ششدانگ یکباب منزل به مساحت ۳۰۰/۷۱ مترمربع پلاک شماره ۱۰۶۶۰ فرعی از ۱- اصلی واقع در سیستان و بلوچستان بخش دو سیستان شهرستان زابل روستای فتح اله واگذاری طبق سندعادی از جواد میرمستند مالکیت ۱۱۰۴۵۵ مورخ ۱۳۹۵/۱۰/۲۳ دفترخانه ۱۳ زابل محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز در روزنامه کثیرالانتشار آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۳/۷/۳۰

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۳/۸/۱۵

م الف ۱۰۳۷

رضا ده مرده

رئیس ثبت اسناد و املاک

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۳۶۰۳۲۲۰۰۲۰۰۶۸۷۰-۱۴۰۳۶۰۳۲۲۰۰۲۰۰۶۸۷۰-۱۴۰۳/۷/۲۴ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک زابل تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای احمد پهلوان به ش.ش ۳ کدملی ۳۶۷۳۸۱۸۱۰۴ صادره مرکزی فرزند گل محمد به صورت ششدانگ یکباب منزل به مساحت ۲۴۱/۸۸ مترمربع که دارای ۱۰ مترمربع اعیانی می باشد پلاک شماره ۶۸۹ فرعی از ۱- اصلی واقع در سیستان و بلوچستان بخش دو سیستان شهرستان زابل کوچه ۷ منشعبه از خیابان دانشگاه مالکیت مشاعی متقاضی موضوع سند قطعی ۲۷۴۷۲-۱۳۸۸/۳/۳ دفترخانه ۲۷ زابل محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز در روزنامه کثیرالانتشار آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۳/۷/۳۰

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۳/۸/۱۵

م الف ۱۰۳۸

رضا ده مرده

رئیس ثبت اسناد و املاک

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۳۶۰۳۲۲۰۰۲۰۰۶۵۱۹-۱۴۰۳۶۰۳۲۲۰۰۲۰۰۶۵۱۹-۱۴۰۳/۷/۱۵ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک زابل تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای عباس میری بنجار به ش.ش ۱۸ کدملی ۳۶۷۳۷۰۶۰۰۴ صادره زابل فرزند شیرعلی به صورت ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۲۲۸۵/۸۱ مترمربع پلاک شماره ۶۲۲ فرعی از ۲- اصلی واقع در سیستان و بلوچستان بخش دو سیستان اراضی شهر بنجار موروثی و واگذاری طبق سند عادی از وراث شیرعلی میری بنجار صفحه ۱۱۰ دفتر یک محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز در روزنامه کثیرالانتشار آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۳/۷/۳۰

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۳/۸/۱۵ م الف ۱۰۳۵

رضا ده مرده

رئیس ثبت اسناد و املاک

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۳۶۰۳۲۲۰۰۲۰۰۶۵۳۴-۱۴۰۳۶۰۳۲۲۰۰۲۰۰۶۵۳۴-۱۴۰۳/۷/۱۵ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک زابل تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای عیسی بزی به ش.ش ۱۳۹۵ کدملی ۳۶۷۲۵۳۳۸۰۷ صادره زابل فرزند حسین به صورت ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۷۶۵/۴۶ مترمربع پلاک شماره ۱۱۶ فرعی از ۲۲- اصلی واقع در سیستان و بلوچستان بخش سه سیستان اراضی قریه گلخانی مالکیت مشاعی متقاضی صفحه ۵۵۱ دفتر ۳ محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز در روزنامه کثیرالانتشار آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۳/۷/۳۰

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۳/۸/۱۵

م الف ۱۰۳۳

رضا ده مرده

رئیس ثبت اسناد و املاک

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۳۶۰۳۲۲۰۰۲۰۰۶۵۳۰-۱۴۰۳۶۰۳۲۲۰۰۲۰۰۶۵۳۰-۱۴۰۳/۷/۱۵ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک زابل تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای عیسی بزی به ش.ش ۱۳۹۵ کد